معماری پایدار، عنصری فراموش شده در مسکن روستاهای شمال ایران

عباس علی‌پور[۱]، بهاره مظفرزاده*[۲]،

[۱] عضو هیات علمی و استادیار پژوهش مرکز تحقیقات و کشاورزی و منابع طبیعی مازندران.

پست الکترونیکی: ***Dr.alipour82@gmail.com***

[۲] فارغ التحصیل کارشناسی دانشگاه شهید بهشتی ، دانشجوی کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی روزبهان.

پست الکترونیکی: ***bahar.mozafarzade@yahoo.com***

شماره تماس نویسنده مسئول :

چکیده :

اگر به روند شکل‌گیری سکونتگاه‌های روستایی در گذشته نگاهی داشته باشیم خواهیم فهمید که یک روند ارگانیک در ایجاد سکونتگاه‌ها وجود داشته است، معماری سنتی منبع غنی است که پتانسیل قابل توجهی به ما در فهم و طراحی و ساخت پایدار دارد. ساختمان‌های بومی از مصالح محلی در دسترس ساخته‌شده‌اند و به طبیعت احترام می‌گذارند، از آنجا که معماری پایدار نیز زندگی در طبیعت و با طبیعت است تا حدی بر اصول معماری بومی منطبق است. مخصوصاً در مساکن سنتی روستایی شمال کشور، که ظاهری متفاوت از دیگر نقاط دارد، اقتباس ساده از طبیعت و جغرافیای منطقه نمایان بوده و پاسخگوی نیازهای اساسی مردمانی است که فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگ زیستی آنان متفاوت با دیگر نقاط ایران می‌باشد. اما در دهه‌های اخیر توسعه و ایجاد مسکن روستایی توسط سازمانهای مربوط، فاقد رویکرد پایداری بوده است، زیرا سازه های معماری به دلیل عدم توجه به محیط، پتانسیل‌های موجود و مؤلفه‌های معماری پایدار، ناتوان از پاسخگویی مطلوب مردمان جامعه است.

مقاله پیش‌رو به معرفی معماری پایدار و بیان الگوهای آن می‌پردازد، آنگاه با نگاه و مقایسه‌ی معماری گذشته و کنونی روستاهای شمال ایران، راهبردهایی برای بهبود وضعیت مساکن روستایی در جهت رسیدن به معماری پایدار، با استفاده از معماری بومی بیان کرده‌است. نتایج نشان داده‌است، که با توجه به اینکه معماری پایدار منطبق بر اصول معماری بومی می‌باشد و از آنجا که قدمت معماری بومی در روستاها بسیار زیاد است، بنابراین قابلیت‌های زیادی برای ساخت مساکن پایدار در صنعت ساختمان سازی شمال ایران وجود دارد.

واژه‌های کلیدی : معماری پایدار، معماری بومی، مسکن، روستا، مسکن روستایی،

۱- مقدمه:

با توجه به رشد روز افزون جمعیت در دهه‌های اخیر به خصوص جمعیت روستایی، توسعه سکونتگاه‌های روستایی امری ضروری بوده است، که توجه نهادهایی مانند بنیاد مسکن و ... به این موضوع تاییدی بر این مدعاست.(بمانیان، ۱۳۸۹،ص ۳۱-۲۶) اگر به روند شکل‌گیری سکونتگاه‌های روستایی در گذشته نگاهی داشته باشیم خواهیم فهمید که یک روند ارگانیک در ایجاد سکونتگاه‌ها وجود داشته است، به طوری که روستا در تولید مسکن به صورت خودکفا عمل می‌نموده است و به نظر می‌رسد که فارغ از مسأله استحکام نتایج بهتری را هم از حیث کیفیت معماری و هم از حیث اقتصادی برای روستا داشته است.(بمانیان، ۱۳۸۹،ص۳۱-۲۶) مطالعات نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر توسعه و ایجاد مسکن روستایی توسط سازمانهای مربوط، فاقد رویکرد پایداری بوده است، زیرا سازه های معماری که با هدف اسکان مناسب روستاییان ایجاد شده به دلیل عدم توجه به محیط، پتانسیل‌های اقتصادی موجود و مؤلفه‌های معماری پایدار، ناتوان از پاسخگویی مطلوب به نیاز این بخش از جامعه است. چرا که در گذشته معماری تولید خود جامعه روستایی بوده و به نظر می‌رسد به لحاظ شرایط محیطی سازگاری بیشتر و نتایج بهتری برای روستاییان در پی داشته است.(بمانیان، ۱۳۸۹،ص ۳۱-۲۶) شهری شدن کشور که نه تنها در ایران، که در مقیاس جهانی نیز در حال وقوع است سبب شده رفتارها و هنجارهای جدیدی در روستا پدید آید و به سبب این دگرگونی‌ها، نیازها و خواست‌های جدید در ارتباط با سازمان کالبدی فضایی از سوی جامعه‌ی روستایی طلب شود.(حبیبی، ۱۳۸۹، ص ۱۶-۳) آثار مشکلات و مسائل روستایی در کنار برنامه-های مقطعی عمران شهری و منطقه ای و آثار ناموزون ناشی از مهاجرت و غیره بر روستاها باعث شده که زندگی روستایی در برابر شهرنشینی عقب نشینی کند. معماری و فرهنگ روستایی به رغم غنای تاریخی خود، توان مقاومت در برابر آثار فرهنگ شهری را نداشته است، بنابراین، کالبد روستا تحت تأثیر عوامل مختلف جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر یافته و روستاها در حال از دست دادن ارزش های معماری فرهنگی و آداب و رسوم خود هستند. بخش عمده‌ای از ساختمان‌های روستایی فرسوده شده و قسمت‌هایی که در دوران حاضر ساخته شده‌اند، در مواجهه با عوامل نامساعد طبیعی (سیل، زلزله و...) قابلیت مطلوبی ندارند.(کریم‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۸۹)

در معماری امروز روستاها تأثیر عوامل اقلیمی مؤثر بر معماری مانند نورخورشید، جهت باد، کیفیت و کمیت مصالح و مانند آن نادیده گرفته می‌شود. معماری بناهای روستایی ایران در گذشته بیانگر بهره برداری هوشمندانه اهالی از مواد و مصالح بوم آورد و تلاش برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از انرژی‌های طبیعی برای برآورد نیازهای ساختمانی و معیشتی بوده است. روستاهای امروز دیگر بخشی از طبیعت نیستند و بناهای جدید به صورت بخشی مجزا و نامتجانس در کنار طبیعت و بافت قدیم روستایی قرار گرفته اند.(کریم‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۸۹)

مسئله اصلی در معماری معاصر جهان امروز، قطع ارتباط میان معماری بومی و نیازهای مدرن است.(بلوغی، ۱۳۸۹) متاسفانه نزد بسیاری از افراد، دانش بومی به مفهوم واپسگرایی است؛ ولی امروزه با بروز مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی ناشی از کاربرد فناوری‌های نسنجیده در کشورهای در حال توسعه، رویکردهای درون‌زا (تکیه بر دانش بومی) مطرح شده‌است.(دانایی‌نیا، ۱۳۸۹) بنابراین ضروری است تا متدهای استفاده شده در دنیای قدیم را به منزله سمبلی از راه حل‌های سبز یادآوری کرد و سپس، آنهارا توسط پیشرفت‌های تکنولوژیک عصر حاضر با دنیای جدید تطبیق داد.(بلوغی، ۱۳۸۹) در این میان مسکن به عنوان اصلی-ترین بنایی است که مربوط به انسان و زندگی او می‌شود، پس در طراحی آن سعی شده تا از بهترین الگوهای بومی در طراحی